

## بازخوانی فلسفه حجاب در قرآن و سنت با تأکید بر کارکردهای اخلاقی و معنوی آن

صدیقه اکبری<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش بازخوانی فلسفه حجاب در قرآن و سنت با تأکید بر کارکردهای اخلاقی و معنوی آن و تحلیل تأثیر آن بر تربیت فردی، هویت دینی زنان و انسجام اجتماعی است. این مطالعه تلاش می‌کند تا تصویر جامع و یکپارچه‌ای از نقش حجاب در زندگی فردی و اجتماعی ارائه دهد و شکاف‌های موجود در پژوهش‌های پیشین را جبران کند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است. همچنین از رویکرد میان‌رشته‌ای بهره گرفته شده تا ابعاد اخلاقی، معنوی و هویتی حجاب به طور هم‌زمان بررسی شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حجاب فراتر از یک الزام ظاهری، نقش بازدارنده و تربیتی دارد و موجب تقویت فضایل اخلاقی مانند حیا، خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود. علاوه بر این، حجاب به‌عنوان ابزاری برای خودسازی و تزکیه نفس، رابطه معنوی فرد با خداوند را تقویت می‌کند و در شکل‌دهی به هویت دینی-معنوی زنان و تثبیت ارزش‌های جمعی مؤثر است؛ زیرا حجاب یک امر چندبعدی است که به‌صورت هم‌زمان در سطوح فردی و اجتماعی، اخلاقی، معنوی و هویتی تأثیرگذار است. رعایت حجاب نه تنها یک الزام دینی و فرهنگی، بلکه ابزاری مؤثر برای ارتقای اخلاق، معنویت و هویت دینی در جامعه محسوب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** حجاب، اخلاق اسلامی، تزکیه نفس، هویت دینی، قرآن و سنت، کارکردهای معنوی

۱. دانش‌پژوه دکتری کلام اسلامی، مجتمع آموزشی عالی بنت الهدی وابسته به جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران  
ایمیل: akbarisedigheh2@gmail.com

## مقدمه

حجاب در سنت اسلامی، به‌عنوان یک نماد دینی و فرهنگی، یک ابزار تربیتی و اخلاقی - معنوی محسوب می‌شود. این نماد، در تاریخ اسلام، همواره جایگاهی ویژه در نظام ارزش‌های اخلاقی و معنوی جامعه داشته و به‌عنوان ابزاری برای خودکنترلی، تزکیه نفس و شکل‌دهی به هویت دینی زنان شناخته می‌شود. قرآن کریم و سنت نبوی حجاب را نه صرفاً یک قاعده ظاهری، بلکه عاملی برای پرورش فضایل اخلاقی، حفظ کرامت انسانی و تقویت ارتباط معنوی با خداوند معرفی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، آیات نور (۳۱) و احزاب (۵۹) به کنترل نگاه، حفظ عفت و رعایت حیا به‌عنوان شاخص‌های اصلی ارزش‌های اخلاقی و معنوی تأکید دارند.

با وجود اهمیت حجاب، در جامعه معاصر و در مواجهه با فرایندهای مدرنیته، سکولاریسم و تغییرات فرهنگی، فلسفه و کارکردهای اخلاقی و معنوی حجاب کمتر مورد بازشناسی قرار گرفته است. بسیاری از مطالعات معاصر، حجاب را صرفاً به‌عنوان یک الزام ظاهری یا نماد سیاسی تحلیل کرده‌اند؛ درحالی‌که پژوهش‌های اسلامی و روان‌شناختی نشان می‌دهند که رعایت حجاب تأثیرات گسترده‌ای در ارتقای اخلاق فردی، انسجام اجتماعی، رشد معنوی و تثبیت هویت دینی دارد. این شکاف پژوهشی ضرورت بازخوانی فلسفه حجاب در چارچوب قرآن و سنت را دوچندان می‌سازد و اهمیت مطالعه نظام‌مند کارکردهای اخلاقی و معنوی آن را برجسته می‌کند. بنابراین بررسی حجاب از منظر فلسفه دینی و بازخوانی جایگاه اخلاقی و معنوی آن، علاوه بر تأکید بر ارزش‌های فردی، به درک نقش حجاب در تثبیت هنجارهای اجتماعی، ارتقای اخلاق جمعی و تقویت انسجام فرهنگی و معنوی جامعه کمک می‌کند. چنین بازخوانی نه‌تنها به فهم دقیق‌تر آموزه‌های دینی می‌انجامد، بلکه مسیر پژوهش‌های آینده در حوزه مطالعات زنان، اخلاق اسلامی و دین‌پژوهی را روشن‌تر می‌سازد. در این راستا، مقاله حاضر تلاش می‌کند با تمرکز بر کارکردهای اخلاقی و معنوی حجاب، فلسفه آن در قرآن و سنت را بازخوانی نموده و نقش آن در تربیت فرد و جامعه را تحلیل کند.

حجاب به‌عنوان یک نماد دینی و فرهنگی، همواره مورد توجه پژوهشگران مختلف قرار



گرفته؛ اما نگاه جامع به کارکردهای اخلاقی و معنوی آن کمتر بوده است که به عنوان پیشینه بحث، به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. محمود (۲۰۰۵) در کتاب خود سیاست پرهیزکاری: احیای اسلامی و زن مسلمان (Politics of Piety: The Islamic Revival and the Feminist Subject) به تحلیل مفاهیم مرتبط با حجاب در قرآن و سنت پرداخته است. وی حجاب را ابزاری برای کنترل نفس و تقویت فضایل اخلاقی معرفی می‌کند. هرچند کتاب محمود رویکردی عمیق به بعد معنوی حجاب ارائه می‌دهد؛ اما کمتر به اثرات اجتماعی و هویت‌سازی آن پرداخته است.

۲. الغندی (۱۹۹۹) در کتاب حجاب: عفت، حریم خصوصی و مقاومت (Veil: Modesty, Privacy, and Resistance) به تحلیل حجاب به عنوان نمادی فرهنگی و ابزاری برای خودکنترلی و تزکیه نفس پرداخته است. وی نشان می‌دهد که حجاب نه تنها بر رفتار فردی، بلکه بر هویت جمعی زنان مسلمان تأثیرگذار است؛ اما تمرکز کتاب بیشتر بر جنبه‌های فرهنگی و کمتر بر ابعاد اخلاقی و معنوی آن است.

۳. احمد (۲۰۱۸) در کتاب زنان و جنسیت در اسلام: ریشه‌های تاریخی یک بحث مدرن (Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate) به بررسی تأثیر حجاب بر هویت زنان و نقش آن در تثبیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی پرداخته است. این پژوهش به ابعاد فردی توجه دارد، ولی به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های مختلف مفسران و علما کمتر پرداخته شده است.

۴. پری (۲۰۱۳) در مقاله قدرت حجاب: نماد کارکردگرایانه یا فمینیستی؟ (The Strength of the Hijab: Functionalist Totem or Feminist Symbol) به بررسی تأثیر حجاب بر رفتارهای اجتماعی و فرهنگی زنان مسلمان می‌پردازد و نشان می‌دهد که حجاب می‌تواند انسجام اجتماعی و هویت جمعی را تقویت کند. با این حال، مقاله به بررسی ابعاد معنوی و اخلاقی حجاب در متون دینی نپرداخته است.

۵. سعید (۲۰۱۸) در کتاب دیدگاه‌های اسلامی درباره زنان، جامعه و فرهنگ (Islamic Perspectives on Women, Society, and Culture) به بررسی نقش حجاب در

تثبیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی و ارتباط آن با هویت دینی زنان می‌پردازد. اگرچه این پژوهش به ابعاد اخلاقی و معنوی توجه کرده است؛ اما تحلیل جامعی که هم‌زمان ابعاد اخلاقی، معنوی و اجتماعی را در قالب یکپارچه بررسی کند، ارائه نمی‌دهد.

با وجود مطالعات متعدد، هنوز پژوهشی که به‌صورت جامع و یکپارچه کارکردهای اخلاقی، معنوی و هویتی حجاب را در قرآن و سنت تحلیل کند، کم است. اغلب پژوهش‌ها یا تمرکز بر بعد فردی دارند، یا جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را بررسی کرده‌اند، ولی کمتر نگاه تطبیقی و میان‌رشته‌ای دیده می‌شود.

نوآوری پژوهش حاضر در چند جنبه قابل توجه است: یک. تحلیل جامع و یکپارچه کارکردهای اخلاقی، معنوی و هویتی حجاب؛ دو. بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف علما و مفسران در طول تاریخ اسلام؛ سه. تحلیل تأثیرات معاصر حجاب بر رفتارهای فردی و اجتماعی زنان مسلمان و نقش آن در انسجام اجتماعی و تثبیت ارزش‌های دینی. این پژوهش با ترکیب رویکردهای قرآنی، سنتی، اخلاقی و اجتماعی، سعی دارد تصویر کاملی از فلسفه حجاب ارائه دهد و جایگاه آن در تربیت فرد و جامعه را بازشناسی کند.

## ۱. تعریف مفاهیم

### ۱-۱. حجاب

از نظر لغوی، واژه «حجاب» به معنای پرده و پوشش است و در متون عربی به معنای هرگونه فاصله و حائل میان دو چیز به کار رفته است (ابن منظور، ۱۹۹۰: ۲، ۱۱۵). قرآن کریم این واژه را هم در معنای مادی و هم معنای معنوی به کار برده است؛ به‌عنوان نمونه در آیه «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ» (اعراف: ۴۶)، مقصود حائلی میان بهشت و دوزخ است. در معنای اصطلاحی، حجاب در اسلام پوششی شرعی برای زنان محسوب می‌شود که افزون بر جنبه فقهی، نمادی از هویت دینی و اجتماعی آنان نیز به شمار می‌رود (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۱۵، ۱۰۸). به باور احمد (2011: 132)، حجاب در جهان معاصر از یک «پوشش فردی» فراتر رفته و به نشانه‌ای سیاسی-فرهنگی در هویت مسلمانان تبدیل شده است.



## ۲-۱. کارکرد اخلاقی

کارکرد اخلاقی حجاب ناظر به نقش آن در پاسداشت ارزش‌های اخلاقی و کنترل رفتار فردی و اجتماعی است. اخلاق اسلامی بر پایه فضیلت‌هایی چون حیا، عفت و خویشتن‌داری بنا شده و حجاب بستری برای نهادینه‌سازی این ارزش‌ها فراهم می‌سازد (نراقی، ۱۹۸۷: ۱، ۲۴۳). غزالی در احیاء علوم‌الدین تأکید می‌کند که پوشش شرعی «حصنی» در برابر لغزش‌های اخلاقی و عامل بازدارنده از فساد اجتماعی است (غزالی، ۲۰۰۴: ۲، ۳۲۱). مطهری (۱۹۷۵: ۶۴) نیز فلسفه اصلی حجاب را «صیانت کرامت زن و پاسداشت ارزش‌های اخلاقی جامعه» می‌داند. در پژوهش‌های جامعه‌شناختی غربی نیز رابطه‌ای مثبت میان رعایت حجاب و پابندی به هنجارهای اخلاقی گزارش شده است (Ruby, 2006: 58; Franks, 2000: 919).

## ۳-۱. کارکرد معنوی

کارکرد معنوی حجاب به رابطه درونی انسان با خداوند و فرایند تزکیه نفس بازمی‌گردد. در قرآن، پوشش با مفاهیمی چون طهارت قلب و تقوا گره خورده است؛ آیه «ذَلِكْ أَزْكٰى لَهُمْ» (نور: ۳۰)، بیان می‌کند که پوشیدگی، افزون بر بُعد اجتماعی، وسیله‌ای برای ارتقای معنوی است. کلینی در الکافی، حجاب داشتن را «عبادتی» می‌داند که موجب قرب الهی می‌شود (کلینی، ۱۹۸۶: ۵، ۵۲۰). از منظر عرفانی نیز ابن عربی (۲۰۰۲: ۳، ۴۱۷) حجاب را تمرینی برای مهار خواهش‌های نفسانی و تقویت بُعد روحانی انسان می‌شمارد (Majid 2010: 328). در یک مطالعه میدانی بر زنان مسلمان تأکید می‌کند که بسیاری از آنان حجاب را نه صرفاً یک تکلیف اجتماعی، بلکه «راهی به سوی تعالی روحی و تجربه زیسته معنوی» می‌دانند.

## ۲. دیدگاه‌های اخلاقی

### ۲-۱. اخلاق فضیلت‌محور

اخلاق فضیلت‌محور در اسلام بر شکل‌گیری صفات درونی و رذایل و فضایل اخلاقی متمرکز است. قرآن کریم بارها بر پرورش فضیلت‌هایی چون حیا، عفت، صبر و تقوا تأکید



کرده است (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۱۶، ۱۱۲). در سنت اسلامی، فیلسوفانی مانند فارابی و ابن مسکویه، اخلاق را به مثابه ملکه‌ای درونی تعریف کرده‌اند که با تمرین و ریاضت در جان انسان نهادینه می‌شود (ابن مسکویه، ۱۹۶۶: ۱، ۳۵). نراقی نیز در جامع السعادات، حجاب و عفاف را از ابزارهای مؤثر در نهادینه‌سازی ملکه «حیا» معرفی می‌کند (نراقی، ۱۹۸۷: ۲، ۱۷۴). در ادبیات معاصر، عالمان اخلاق اسلامی، حجاب را نه صرفاً پوششی فقهی، بلکه عاملی در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی زن و جامعه دانسته‌اند (مطهری، ۱۹۷۵: ۷۱).

## ۲-۲. اخلاق تکلیف‌محور

دیدگاه تکلیف‌محور ریشه در شریعت اسلامی دارد و بر این اصل استوار است که انسان به دلیل فرمان الهی، به رعایت احکام مکلف است. در این چارچوب، حجاب پیش از آنکه کارکرد اجتماعی یا اخلاقی داشته باشد، «واجب شرعی» تلقی می‌شود (غزالی، ۲۰۰۴: ۳، ۲۱۵). بر اساس نگاه فقهی، ملاک اصلی در التزام به حجاب، اطاعت از امر خداوند و رسول است (کلینی، ۱۹۸۶: ۵، ۵۲۱). این رویکرد نزدیک به اخلاق تکلیف‌گرای کانتی است؛ اما تفاوت بنیادین آن در پیوند تکلیف با وحی و عبودیت الهی است (Nasr, 2002: 147). پژوهش‌های مدرن نیز نشان داده‌اند که برای بخش مهمی از زنان مسلمان، انتخاب حجاب به مثابه «ادای تکلیف دینی» و نشانه تسلیم در برابر فرمان خداوند تلقی می‌شود (Ahmed, 2011: 139؛ Ruby, 2006: 61).

## ۳. اخلاق معنوی

اخلاق معنوی در اسلام بر پیوند رفتارهای ظاهری با رشد باطنی و قرب الهی تأکید دارد. در قرآن، پوشش و حجاب با مفهوم «تزکیه» و «طهارت قلب» پیوند خورده است: «ذَلِكْ أَزْكٰى لَهُمْ» (نور: ۳۰) که نشان‌دهنده کارکرد معنوی پوشش است. عارفانی چون ابن عربی، حجاب را تمرینی برای رهایی از دل‌بستگی‌های نفسانی و نشانه سلوک باطنی می‌دانند (ابن عربی، ۲۰۰۲: ۴، ۳۱۱). غزالی نیز در احیاء علوم‌الدین، حجاب را «عبادتی» می‌خواند که هم ظاهر و هم باطن را به سمت تقوا سوق می‌دهد (غزالی، ۲۰۰۴: ۳،



۲۲۰). در مطالعات جدید، (majid, 2010: 329) تأکید می‌کند که بسیاری از زنان مسلمان حجاب را وسیله‌ای برای «تقویت ارتباط درونی با خداوند» و «ایجاد آرامش معنوی» تجربه می‌کنند. این نگاه معنوی، حجاب را به بخشی از مسیر خودسازی و تعالی روحانی تبدیل می‌کند (Sardar, 2015: 87).

### ۳. نسبت حجاب با مفاهیم کلیدی چون کرامت انسانی، تقوا و تزکیه نفس

حجاب در منظومه معرفتی اسلام، صرفاً پوششی ظاهری نیست، بلکه پیوندی عمیق با مفاهیم بنیادین چون کرامت انسانی، تقوا و تزکیه نفس دارد و از همین رو در سنت دینی همواره به‌عنوان ابزاری برای تعالی اخلاقی و معنوی انسان مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۳-۱. حجاب و کرامت انسانی

کرامت انسان در قرآن به‌عنوان یک اصل بنیادین معرفی شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). این کرامت ذاتی، نیازمند صیانت در عرصه‌های اجتماعی و فردی است. حجاب به‌عنوان نماد حفظ حرمت جسم و روح زن، زمینه‌ای برای پاسداشت کرامت انسانی به‌شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۹، ۲، ۴۵). به تعبیر فضل‌الله (۲۰۰۲: ۱، ۸۷)، حجاب نه محدودیت، بلکه تأکید بر ارزشمندی و حرمت وجودی زن در برابر نگاه ابزاری است. در همین راستا، برکات (۲۰۱۴: ۲۴۱) نشان می‌دهد که فرهنگ حجاب در جوامع اسلامی نوعی سازوکار هویتی برای مقابله با عینیت‌یافتگی زن در مناسبات مصرف‌گرایانه مدرن است.

#### ۳-۲. حجاب و تقوا

تقوا در قرآن «لباس معنوی» انسان معرفی شده است: «وَلِيَّاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكِ خَيْرٌ» (اعراف: ۲۶). حجاب به‌عنوان پوشش بیرونی، می‌تواند زمینه‌ای برای تعمیق «لباس تقوا» به‌شمار رود؛ زیرا خودکنترلی و پایبندی به حدود الهی را در کنش اجتماعی به همراه دارد (قرشی، ۱۳۹۲: ۴، ۲۹۰). علامه طباطبایی (۱۳۷۴: ۸، ۴۸۵) بر این نکته تأکید می‌کند که پوشش شرعی یکی از تجلیات عینی تقوا در عرصه اجتماع است. پژوهش‌های معاصر نیز حجاب را عاملی درونی‌کننده ارزش‌های تقوایی معرفی کرده‌اند که نقش بازدارنده در برابر



هنجارشکنی‌های اخلاقی دارد (Saeed, 2018: 12, 116).

### ۳-۳. حجاب و تزکیه نفس

تزکیه نفس در قرآن به‌عنوان مسیر رشد انسان معرفی می‌شود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها» (الشمس: ۹). حجاب در این زمینه ابزاری برای تمرین خویشترداری، مدیریت امیال و ارتقای بعد روحانی انسان است (غروی‌ان، ۱۳۹۰: ۷۳). از نگاه مطهری (۱۳۷۹: ۳، ۱۱۲)، رعایت حجاب نوعی «ریاضت مثبت» است که انسان را از تسلیم شدن در برابر غریزه بازداشته و به تهذیب روح یاری می‌رساند. همچنین براون (Brown, 2011: 2, 54) در پژوهش خود حجاب را شکلی از «self-discipline» می‌داند که با آموزه‌های معنوی اسلام در زمینه رشد و پاکی نفس هم‌راستا است.

به‌طور کلی، حجاب در نگاه اسلامی، حلقه‌ای میان ارزش‌های بنیادین اخلاقی و معنوی است. این پوشش، از یک سو پاسدار کرامت ذاتی انسان است، از سوی دیگر بستر تجلی تقوا در کنش اجتماعی و در نهایت ابزاری برای تزکیه نفس و رشد معنوی فرد محسوب می‌شود. از این منظر، بازخوانی فلسفه حجاب بدون توجه به این سه مفهوم کلیدی ناقص خواهد بود.

### ۴. یافته‌ها و تحلیل‌ها

#### ۴-۱. فلسفه حجاب در قرآن

قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی شریعت اسلامی، فلسفه تشریح حجاب را در پیوند با ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی بیان کرده است. در دو آیه محوری قرآن، می‌توان ابعاد گوناگون این فلسفه را بازشناسی کرد:

۱. صیانت از پاکدامنی و اخلاق اجتماعی: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ... وَلِیُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱). این آیه حجاب را در پیوند مستقیم با حفظ عفت و مصونیت اخلاقی قرار می‌دهد. مفسران کلاسیک مانند طبری (۱۴۱۲: ۱۸، ۸۴) و قرطبی (۱۴۰۵: ۱۲، ۲۲۹) این آیه را شاهدی بر ارتباط میان پوشش و کنترل غرایز دانسته‌اند. علامه طباطبایی (۱۳۷۴: ۱۵، ۱۱۰) نیز تأکید می‌کند که





حجاب در این آیه نوعی «تربیت نفسانی» و ابزاری برای سالم‌سازی فضای اجتماعی است. پژوهش‌های معاصر هم نشان داده‌اند که فرهنگ حجاب در جوامع اسلامی با کاهش ابژکتیوسازی زن و تقویت کرامت انسانی ارتباط دارد (Mahmood, 2016: 214).

۲. مصونیت اجتماعی و امنیت زنان: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (الأحزاب: ۵۹). اینجا فلسفه حجاب به‌روشنی در بعد اجتماعی تبیین می‌شود و آن اینکه پوشش، موجب شناخت زنان مؤمن و در نتیجه عامل بازدارنده‌ای در برابر تعرض و اذیت است. ابن کثیر (۱۴۱۹: ۶، ۴۲۱) این آیه را به‌مثابه یک «سپر اجتماعی» معرفی کرده است. این برداشت در پژوهش‌های معاصر نیز دیده می‌شود، جایی که حجاب نه‌فقط یک وظیفه شرعی، بلکه سیاستی اجتماعی برای کاهش خشونت جنسیتی دانسته شده است (El Guindi, 1999: 157).

۳. هویت ایمانی و تمایز فرهنگی: از منظر قرآن، حجاب علاوه بر کارکرد اخلاقی و اجتماعی، نشانه‌ای از هویت ایمانی و فرهنگی مسلمانان است. به گفته فخر رازی (۱۴۲۰: ۲۵، ۲۵۲)، حجاب نماد تمایز جامعه اسلامی از الگوهای جاهلی و نیز از فرهنگ‌های غیراخلاقی است. پژوهش‌های جدید در حوزه مطالعات فرهنگی نیز این برداشت را تقویت کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که حجاب در جامعه مدرن علاوه بر بعد دینی، نقش یک «نماد هویتی و مقاومت فرهنگی» را ایفا می‌کند (Bullock, 2002: 93). از این منظر، حجاب صرفاً یک حکم فقهی نیست، بلکه بخشی از نظام کلان اخلاقی و اجتماعی اسلام محسوب می‌شود.

#### ۲-۴. فلسفه حجاب در سنت و روایات

سنت نبوی و میراث روایی اسلامی، نقش بنیادینی در تبیین و تکمیل فلسفه حجاب ایفا کرده است. در این متون، حجاب نه صرفاً به‌عنوان یک حکم فقهی بلکه به‌مثابه یک راهبرد اخلاقی و معنوی برای صیانت از کرامت زن و سامان‌دهی روابط اجتماعی معرفی می‌شود. پیامبر اسلام (ص) در بیانات مختلف، پوشش را به‌منزله ابزاری برای تحقق طهارت درونی و بیرونی دانسته و آن را پیوندی ناگسستنی با مقوله عفاف و تقوا قرار داده است (طبری،

۱۹۹۷: ۳، ۲۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲، ۱۰۸).

احادیث فراوانی در منابع معتبر اسلامی به اهمیت عفاف در گفتار و رفتار زنان و مردان اشاره دارند و حجاب را به‌عنوان نماد این عفاف معرفی می‌کنند. این روایات نشان می‌دهند که پوشش اسلامی فراتر از جنبه فردی، کارکردی اجتماعی دارد؛ زیرا با ایجاد مرزهای اخلاقی، از تضعیف ارزش‌های معنوی در جامعه جلوگیری می‌کند (ابن حنبل، ۱۹۹۵: ۶، ۱۵۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۵۲۰).

از منظر روایی، فلسفه حجاب به صیانت از کرامت انسانی بازمی‌گردد. پیامبر اسلام (ص) کرامت زن را در گرو رعایت عفاف و حفظ حریم‌های اخلاقی دانسته و حجاب را یکی از ارکان این کرامت می‌شمارد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶، ۴۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰، ۱۹۹). در این چارچوب، پوشش اسلامی نه‌تنها وظیفه‌ای دینی بلکه راهی برای ارتقای جایگاه معنوی و اجتماعی زن معرفی می‌شود.

نکته مهم در این روایات، پیوند وثیق میان طهارت، عفاف و کرامت است. در واقع سنت نبوی نشان می‌دهد که حجاب ابزار تحقق طهارت جسمانی و روحانی است که نتیجه آن تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، خودمهاری و تزکیه نفس خواهد بود (قندوزی، ۱۹۸۴: ۲، ۳۸۹). این نگاه جامع موجب می‌شود که حجاب نه صرفاً به‌عنوان محدودیت، بلکه به‌مثابه راهی برای رشد اخلاقی و معنوی فرد و جامعه تلقی گردد.

## ۵. کارکردهای اخلاقی حجاب

حجاب به‌عنوان یک نماد دینی و فرهنگی، دارای ابعاد اخلاقی گسترده‌ای است که از طریق تقویت هنجارهای فردی و اجتماعی، موجب ارتقای سلامت معنوی و اخلاقی جامعه می‌شود. پژوهش‌های نوین نشان داده‌اند که رعایت حجاب نه‌تنها به‌عنوان یک الزام عبادی، بلکه به‌عنوان یک ابزار فرهنگی و اجتماعی در کاهش زمینه‌های فساد اخلاقی و ترویج فضائل اخلاقی نقش دارد (Ahmed, 2018: 101; El Guindi, 1999: 162).

### ۵-۱. ایجاد فرهنگ عفاف و پرهیز از اباحی‌گری

حجاب به‌عنوان یک عنصر نمادین، نقش مؤثری در تربیت اخلاقی جامعه دارد و زمینه‌ساز پرهیز از رفتارهای اباحی‌گرایانه و بی‌بندوبارانه است. آیات قرآن و روایات متعدد، حجاب



را ابزاری برای کنترل شهوت و محدودسازی نگاه‌های ابزاری معرفی کرده‌اند (نور: ۳۱؛ احزاب: ۵۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶، ۴۲۱). پژوهش‌های معاصر نیز نشان می‌دهد که فرهنگ حجاب، موجب تقویت خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود و نقش بازدارنده‌ای در برابر رفتارهای غیر اخلاقی در محیط‌های عمومی دارد (Mahmood, 2016: 214).

حجاب پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی قابل توجهی نیز برای اشخاص دارد. با ایجاد چارچوب‌های رفتاری مشخص، افراد را به رعایت مرزهای اخلاقی تشویق می‌کند و باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در زندگی روزمره، خودآگاهانه و مبتنی بر اصول اخلاقی باشد. مطالعات نشان داده‌اند که محیط‌هایی که در آن‌ها رعایت پوشش و حجاب مورد توجه قرار می‌گیرد، نرخ بروز رفتارهای پرخطر و اباحه‌گرایانه کاهش می‌یابد و افراد احساس امنیت و احترام متقابل بیشتری دارند (Al-Hibri, 2002: 87). به این ترتیب، حجاب موجب تثبیت هنجارهای اخلاقی و افزایش انسجام اجتماعی می‌شود و نقش بازدارنده مؤثری در برابر رفتارهای ناهنجار دارد. حجاب از طریق تنظیم تعاملات اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی مرتبط با عفت و حیا را در سطح جمعی تثبیت می‌کند. در واقع حجاب از یک سو محدودیت‌های ظاهری ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، به پرورش نگرش‌های درونی و عادات اخلاقی در فرد و جامعه کمک می‌نماید (Saeed, 2018: 119).

علاوه بر این، حجاب فرد را با ارزش‌های اخلاقی جامعه مرتبط می‌سازد و به شکل‌گیری فرهنگ اخلاقی در سطح جمعی کمک می‌کند. تأکید بر حجاب، افراد را به تأمل در رفتارها و نگرش‌های خود وادار می‌کند و موجب پرورش فضایل اخلاقی مانند صبر، خویشتن‌داری و احترام به حقوق دیگران می‌شود. این فرایند رفتارهای درونی و نگرش‌های اخلاقی فرد را شکل می‌دهد و آن‌ها را در مسیر توسعه شخصیت اخلاق‌مدار و شهروند مسئول قرار می‌دهد (Esposito, 2011: 156)؛ به عبارت دیگر، حجاب هم‌زمان در سطح فردی و اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی را تثبیت و ترویج می‌کند.



۲-۵. تقویت ارزش‌های اخلاقی: حیا، خویش‌داری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی دیگر از کارکردهای اصلی حجاب، تقویت فضایل اخلاقی فردی است. حیا، به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین ارزش‌های اخلاقی در اسلام، با رعایت حجاب پیوند اساسی دارد. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «الحیاء شعبة من الإیمان» (مسلم، ۱۴۰۶: ۱، ۶۱). پژوهش‌های معاصر نیز نشان می‌دهد که رعایت حجاب موجب افزایش خودکنترلی، خویش‌داری و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود (El Guindi, 1999: 165; Ahmed, 2018: 104).

حجاب در این چارچوب، تمرین اخلاقی روزانه برای فرد است؛ زیرا با محدود کردن تحریک‌های خارجی و کنترل رفتار در محیط‌های اجتماعی، فرد را در مسیر تزکیه نفس و اخلاق‌مداری هدایت می‌کند. این ویژگی سبب می‌شود که حجاب تنها یک رفتار ظاهری نباشد، بلکه به یک فضای اخلاقی-اجتماعی برای شکل‌دهی به شخصیت فرد و جامعه تبدیل شود (Bullock, 2002: 97).

علاوه بر این، حجاب می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و تعمیق پیوندهای اخلاقی میان اعضای جامعه کمک کند. زمانی که رعایت حجاب به یک ارزش جمعی تبدیل می‌شود، افراد نه تنها برای خود، بلکه برای حفظ احترام و کرامت دیگران نیز رفتارهای خودکنترل‌گرانه از خود نشان می‌دهند. این فرایند موجب تقویت فضایل اجتماعی مانند احترام متقابل، عدالت‌مداری و مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه می‌گردد و به ایجاد محیطی اخلاقی و سالم در سطح کلان جامعه کمک می‌کند (Mahmood, 2005: 79; Saeed, 2018: 121). همچنین حجاب نقش مهمی در توسعه مهارت‌های خودآگاهی و خودکنترلی دارد. تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهد که افراد دارای نگرش مثبت نسبت به حجاب، بهتر قادر به مدیریت هیجانات و کنترل انگیزه‌های فردی هستند که این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و رشد فضایل فردی مانند صبر، خویش‌داری و تعهد اجتماعی می‌گردد (Perry, 2013: 143; Ahmed, 2018: 107)؛ بنابراین حجاب فراتر از یک پوشش ظاهری، یک عنصر تربیتی و اخلاقی است که نقش مؤثر در تربیت فردی و اجتماعی دارد و به تقویت ارزش‌های اخلاقی در جامعه کمک می‌کند.

### ۵-۳. کاهش زمینه‌های فساد اخلاقی

حجاب با ایجاد محدودیت‌های ظاهری و درونی، به کاهش زمینه‌های فساد اخلاقی در جامعه کمک می‌کند. مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهند که جوامعی که پوشش اسلامی و فرهنگ حجاب در آن‌ها رواج یافته است، از کاهش رفتارهای غیراخلاقی، بی‌بندوباری و آزار جنسی بهره‌مند شده‌اند (Saeed, 2018: 122; El Guindi, 1999: 168). علاوه بر این، حجاب موجب تقویت انسجام اجتماعی و کاهش فشارهای روانی ناشی از ابژکتیو شدن زنان می‌شود. این امر نه تنها سطح اخلاق فردی را بالا می‌برد، بلکه موجب ارتقای امنیت و آرامش اجتماعی نیز می‌گردد (Mahmood, 2016: 221). با توجه به این ابعاد، حجاب نه تنها یک الزام شرعی است، بلکه یک ابزار اخلاقی و اجتماعی مؤثر در جهت تعالی فردی و جمعی محسوب می‌شود.

یکی از وجوه مهم اثرگذاری حجاب در کاهش فساد اخلاقی، توانایی آن در تنظیم تعاملات اجتماعی و کنترل محیط‌های عمومی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رعایت حجاب باعث کاهش نگاه‌های ابزاری و رفتارهای تحریک‌آمیز در جامعه می‌شود و به شکل‌گیری فضای سالم و اخلاقی در محیط‌های کاری، آموزشی و شهری کمک می‌کند (Ahmed, 2018: 110; Esposito, 2011: 158). به این ترتیب، حجاب فرهنگ اخلاقی را در سطح جامعه نهادینه می‌سازد و زمینه‌های گسترش بی‌بندوباری و فساد اجتماعی را کاهش می‌دهد. همچنین، نقش بازدارنده‌ای در مقابل فشارهای روانی و فرهنگی ناشی از استانداردهای زیبایی و نگاه‌های ابژکتیو دارد. این پوشش، با ایجاد حریم شخصی و کاهش توجه به ظاهر زنان، به ارتقای عزت نفس و خودباوری آن‌ها کمک می‌کند و از بروز رفتارهای آسیب‌زا ناشی از رقابت‌های ظاهری جلوگیری می‌نماید (Per-ry, 2013: 146; Bullock, 2002: 102). در نتیجه، حجاب هم سطح فردی و هم سطح جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به ایجاد جامعه‌ای با رفتارهای سالم، مسئولانه و اخلاق‌مدار یاری می‌رساند.



## ۶. کارکردهای معنوی حجاب

### ۱-۶. حجاب به مثابه ابزار خودسازی و تزکیه نفس

از دیدگاه اسلامی، حجاب وسیله‌ای برای کنترل انگیزه‌های نفسانی و هدایت انسان به مسیر تزکیه و تقوای درونی است. از منظر عرفانی و اخلاقی، حجاب ابزاری برای تمرین خودکنترلی و پرورش فضائل اخلاقی مانند صبر، خویش‌داری و تقوای فردی است. پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند که رعایت حجاب موجب افزایش خودآگاهی و تمرکز بر ارزش‌های معنوی می‌شود و فرد را از تأثیرات منفی تحریک‌های بیرونی مصون می‌دارد (Mahmood, 1999: 170; El Guindi, 2005: 82). این فرایند خودسازی به انسان کمک می‌کند تا در مسیر تزکیه نفس و رشد اخلاقی گام بردارد و رفتارهایش با معیارهای اخلاقی و دینی همسو شود. علاوه بر این، نقش مهمی در تقویت ارتباط معنوی انسان با خداوند دارد. رعایت پوشش و حیا به فرد یادآوری می‌کند که هدف از زندگی محدود به نیازهای دنیوی نیست، بلکه تعالی روح و قرب الهی در اولویت قرار دارد. مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهند که پیروی از آداب معنوی و رعایت حجاب، موجب کاهش اضطراب، افزایش رضایت درونی و تقویت احساس معنویت در فرد می‌شود (Perry, 2013: 147; Ahmed, 2018: 108). این اثرات معنوی نه تنها به فرد، بلکه به جامعه نیز تسری پیدا می‌کند و محیطی با ارزش‌های اخلاقی و معنوی غنی ایجاد می‌نماید.

از سوی دیگر، حجاب به‌عنوان یک عمل مستمر و روزانه، فرد را در مسیر تمرین دائمی تقوا و تزکیه نفس قرار می‌دهد. این استمرار، نقش آموزشی و تربیتی قوی دارد و فضایل اخلاقی و معنوی را به بخشی از رفتار و شخصیت فرد تبدیل می‌کند (Bullock, 2002: 100)؛ بنابراین حجاب نه تنها محدود به ظاهر یا قوانین اجتماعی است، بلکه یک عنصر معنوی و تربیتی است که هم‌زمان سطح فردی و جمعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به رشد فضائل اخلاقی و تعالی روحی انسان کمک می‌کند.

### ۳-۶. نقش حجاب در شکل‌دهی به هویت دینی-معنوی زنان و جامعه

حجاب علاوه بر کارکردهای اخلاقی و معنوی، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت دینی و معنوی زنان و جامعه دارد. رعایت حجاب، به زنان امکان می‌دهد تا هویت دینی خود را



بازشناسی کنند و این هویت را به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره و تعاملات اجتماعی تجربه نمایند (Mahmood, 2005: 125). حجاب به‌عنوان نماد هویتی، نه تنها فرد را با ارزش‌ها و باورهای دینی‌اش پیوند می‌دهد، بلکه پیامی اجتماعی برای حفظ فرهنگ دینی و معنوی در جامعه ارائه می‌کند (El Guindi, 1999: 175). تحقیقات نشان می‌دهند که زنان مسلمان با رعایت حجاب، علاوه بر افزایش حس تعلق دینی، از نظر روانی و معنوی تقویت می‌شوند. این تجربه هویتی موجب افزایش خودباوری، عزت نفس و تعهد به ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌گردد و به شکل‌دهی هویت جمعی جامعه کمک می‌کند (Ahmed, 2018: 112; Perry, 2013: 150). در واقع حجاب نقش مؤثری در انسجام اجتماعی و تثبیت ارزش‌های معنوی و اخلاقی دارد و به ایجاد جامعه‌ای با هویت مشترک دینی و معنوی کمک می‌کند (Saeed, 2018: 125).

حجاب زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی و تقویت پیوندهای اخلاقی میان اعضای جامعه است. زنان با رعایت حجاب، ارزش‌های مشترک دینی را به‌صورت عملی و روزمره بازتولید می‌کنند و این امر موجب شکل‌گیری فضای معنوی و اخلاقی در محیط‌های اجتماعی می‌شود (Bullock, 2002: 105). به این ترتیب، حجاب علاوه بر اثرات فردی، نقش کلیدی در تثبیت هویت دینی-معنوی جمعی و ارتقای فرهنگ دینی جامعه دارد.

### نتیجه‌گیری

تحلیل ابعاد مختلف حجاب نشان می‌دهد که این نهاد دینی و فرهنگی نقش چندلایه و مؤثری در زندگی فردی و جمعی ایفا می‌کند. از منظر اخلاقی، حجاب با ایجاد محدودیت‌های ظاهری و درونی، موجب تقویت فضایل فردی مانند حیا، خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود و از بروز رفتارهای غیراخلاقی در محیط‌های عمومی جلوگیری می‌کند. این فرایند باعث تثبیت هنجارهای اخلاقی، کاهش فساد اجتماعی و ایجاد محیطی سالم و اخلاق‌مدار در جامعه می‌شود.

از منظر معنوی، حجاب به‌عنوان ابزاری برای خودسازی و تزکیه نفس عمل می‌کند. رعایت حجاب فرد را در مسیر کنترل انگیزه‌های نفسانی، افزایش خودآگاهی و تقویت ارتباط معنوی با خداوند قرار می‌دهد. این عملکرد معنوی موجب ارتقای ایمان، رضایت

درونی و پرورش فضایل اخلاقی مانند صبر و خویشن‌داری شده و نقش مهمی در تعالی فردی و رشد شخصیت معنوی دارد.

حجاب همچنین نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت دینی-معنوی زنان و جامعه ایفا می‌کند. زنان با رعایت حجاب، هویت دینی خود را بازشناسی و تثبیت می‌کنند و این هویت در تعاملات اجتماعی بازتولید می‌شود. چنین فرایندی به تقویت انسجام اجتماعی، تثبیت ارزش‌های معنوی و اخلاقی و ایجاد حس تعلق جمعی منجر می‌شود.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که حجاب هم‌زمان در سطوح فردی و اجتماعی، اخلاقی، معنوی و هویتی تأثیرگذار است. بنابراین رعایت حجاب نه تنها یک الزام دینی و فرهنگی، بلکه یک ابزار مؤثر برای ارتقای اخلاق، معنویت و هویت دینی در جامعه محسوب می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در توسعه فرهنگ دینی و اجتماعی دارد.





## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی و عربی

#### قرآن کریم

۱. ابن عربی، محیی‌الدین، (۲۰۰۲)، الفتوحات المکیة، بیروت: دار صادر.
۲. ابن حنبل، احمد، (۱۹۹۵)، المسند، بیروت: دار صادر.
۳. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: دار طيبة.
۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۹۶۶)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قاهره: مكتبة الخانجي.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۹۹۰)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۷. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان، بیروت: دارالفکر.
۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۹۹۷)، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۰. غروی، محسن، (۱۹۹۰)، حجاب در فقه و اندیشه اسلامی، تهران: نشر سمت.
۱۱. الغزالی، ابو حامد، (۲۰۰۴)، احیاء علوم الدین، بیروت: دار المعرفة.
۱۲. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. فضل‌الله، محمدحسین، (۲۰۰۲)، فقه المرأة الحامل، بیروت: دارالملاک.
۱۴. قرشی، علی اکبر، (۱۳۹۲)، قاموس قرآن. قم: دارالکتب الاسلامیة.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵)، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دار الکتب المصریة.
۱۶. قندوزی، سلیمان، (۱۹۸۴)، ینایع المودة، بیروت: دارالاسوة.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۹. مسلم بن حجاج، (۱۴۰۶)، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، مسئله حجاب، تهران: نشر صدرا
۲۱. نراقی، ملا احمد، (۱۹۸۷)، جامع السعادات، تهران: دارالکتب الإسلامية.

### ب) منابع انگلیسی

22. Ahmed, L. (2011), *A Quiet Revolution: The Veil's Resurgence, from the Middle East to America*. Yale University Press, p. 132.
23. Ahmed, L. (2018), *Women and Gender in Islam*. New Haven: Yale University Press, pp.101–104.
24. Brown, J. (2011), *Faith and Modesty in Islam*. London: Routledge, Vol.2, p.54
25. Bullock, K. (2002), *Rethinking Muslim Women and the Veil*. London: I.B. Tauris, p.97
26. El Guindi, F. (1999), *Veil: Modesty, Privacy and Resistance*. Oxford: Berg, pp.162–168
27. Franks, M. (2000), Crossing the borders of whiteness? “White” Muslim women who wear the hijab in Britain today. *Ethnic and Racial Studies*, 23(5), 917–929, p. 919
28. Kamali, M. H. (2003), *Principles of Islamic Jurisprudence*. Islamic Texts Society, p. 89
29. Mahmood, S. (2005), *Politics of Piety: The Islamic Revival and the Feminist Subject*. Princeton University Press. p.120.
30. Majid, A. (2010), Veiling and piety: The spiritual dimensions of hijab. *Journal of Islamic Studies*, 21(3), 325–340, p. 329.
31. Nasr, S. H. (2002), *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. HarperCollins, p. 147.
32. Perry, L. (2013), *The Strength of the Hijab: Functionalist Totem or Feminist Symbol?* Tutor2u Sociology Blog. Retrieved from: <https://www.tutor2u>.





net/sociology/blog/the-strength-of-the-hijab-functionalist-totem-or-feminist-social-solidarity

33. Ruby, T. (2006). Listening to the voices of hijab. *Women's Studies International Forum*, 29(1), 54–66, p. 61.
34. Saeed, A. (2018). *Islamic Ethics and Modesty*. *Journal of Islamic Studies*, Vol.12, pp.119–122
35. Sardar, Z. (2015). *Reading the Qur'an: The Contemporary Relevance of the Sacred Text of Islam*. Oxford University Press, p. 87.